



حمایت "خانه کارگر" از جنگ و جنگ طلبان دشمنی با کارگران و صلح است

صادق کار



بدنبال حمله موشکی سپاه پاسداران به تل آویو که تحت فشار و تحریکات جنگ طلبان و ماجراجویان ظاهرا به بهانه انتقام ترور هنیه، سید حسن نصرالله و نیلغروشان انجام گرفت، خانه کارگر جمهوری اسلامی نیزبیانیه‌ای در حمایت از این اقدام تحریک آمیز و غیر قابل دفاع و خطرناک منتشر کرد و با جریانات جنگ طلب در ایران و اسرائیل که برای راه انداختن جنگ فاجعه بار دیگری مشغول تقلا هستند همداستان شد. این جریان حکومتی که با وجود ده‌ها هزار مسجد و حسینیه و تکیه در کشور بخشی از فعالیت خود را به تشکیل دارالقرآن و برگزاری مسابقه قرائت قرآن اختصاص داده بیانیه خود را نیز با امضای دارالقرآن منتشر کرده است .

در بخشی از این بیانیه که متن آن روز بعد از حمله در خبرگزاری ایلنا منتشر شد، گفته می شود:

سپاس و شکر بی پایان خدای متعال را که به پاسداران انقلاب اسلامی به نمایندگی از ملت‌های مظلوم " و مقاوم توفیق داد تا در پاسخ به جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی، وعده الهی را به انجام رساند و بار دیگر عزم و اراده ملت‌های مسلمان را به نمایش بگذارد. به نشانه شکر پیشانی بر خاک می‌ساییم و با "افتخار دعاگوی سربازان جبهه حق علیه باطل می‌مانیم

در بیانیه از پاسداران با عنوان نمایندگان ملت‌های مظلوم نام برده می شود بدون آنکه بگوید "ملت‌های مظلوم" کی و چگونه موشک اندازان را به نمایندگی خود انتخاب کرده و به آنها اجازه حمله موشکی به آنها داده‌اند. همچنین در بیانیه از پاسداران بعنوان مجریان وعده‌های الهی یاد می کنند، بدون اینکه از چگونگی سپردن این وعده اطلاع دهند. بر خلاف این ادعاهای من درآوردی، بسیاری از ملت های مسلمان از اساس با رژیم اسلامی مخالفند و هرگز نمایندگی به پاسداران رژیم برای اینکه آنها را نمایندگی کنند، نداده‌اند. این ادعاها همانقدر بی اساس است که ادعای این تشکل مبنی بر داشتن نمایندگی از سوی کارگران و ادعای . . خامنه‌ای بر داشتن نمایندگی از طرف خدا ست

این موضعگیری در شرایطی اعلام می شود که خطر جنگ بعد از حمله موشکی سپاه پاسداران آشکارا شدت گرفته و حمله تلافی جویانه اسرائیل قطعی به نظر می رسد. حمله‌ای که خسارت انسانی و مالی و پیامدهای آنرا لاجرم مردمی که نه در این تحریکات نقشی داشته و دارند و نه طالب جنگ با کسی هستند، و بیشتر از همه کارگران و مزد و حقوق بگیران باید پردازند



گذشته از اینکه جنگ طلبان ایرانی چه وابستگان به حکومت و چه آن عده قلیلی که در رویای بازگشت به قدرت در پناه تانکهای اسرائیلی بسر می برند، در واقع هر دو با دفاع از جنگ نقش هیزم کشان تنور جنگ طلبی ناتانیاهو و دولت دست راستی اسرائیل را دارند و همان کاری را می کنند که ناتانیاهو برای گسترش جنگ غزه و لبنان به ایران با کمک امریکا و متحدین و حامیان غربی دنبال می کند. متاسفانه باید گفت ناتانیاهو در کشاندن پای امریکا به جنگ به نظر می رسد موفق شده است و ناتانیاهو حق دارد از بابت کمک این جماعت به او برای ایجاد "نظم نو" ی مطلوب اسرائیل از آنها تشکر کند.

اگر این جنگ جنگی یک طرفه و عادلانه و در دفاع از حمله ی مستقیم یک دولت خارجی به ایران بود، در آن صورت می شد از آن تا دفع تجاوز دشمن دفاع کرد. ولی همانطور که در اعلامیه سپاه پاسداران که بعد از انجام عملیات منتشر شد آمده، انگیزه و بهانه این حمله ظاهرا ترور سه تن از رهبران مخالفان در حال جنگ با اسرائیل بوده است که تنها ترور یکی از آنها در خاک ایران انجام گرفته است. با این وصف نه ترور "هنیه" با وجود اینکه در ایران انجام گرفته است و نه ترور حسن نصراله و سردار سپاهی که در بیروت انجام گرفته است و نه جنایات بی شمار دولت اسرائیل در غزه و سرزمین های اشغالی فلسطین، هیچکدام حمله سپاه به اسرائیل را توجیه نمی کند. زیرا همه ی آنها بخشی از جنگ مستقیمی است که بین فلسطین و لبنان از یکسو و دولت اشغالگر و جنگ طلب اسرائیل جریان دارد. رژیم ایران ظاهرا در این درگیریها نقش حامی و تدارکچی تجهیزات جنگی را به عهده داشته است. اسرائیل نیز متقابلا با ترور تعداد زیادی از مستشاران نظامی ایران در سوریه و ترور کارشناسان هسته‌ای در ایران و اقدامات دیگر در واقع در صد تلافی بر آمده است. بنا بر این اقدامات هر دو رژیم علیه یکدیگر که به منزله دخالت و تهدید تلقی می شود فارغ از اینکه کدام طرف دست برتر را در این نبرد آشکار و نهان داشته اند، در پیشامد وضعیت فعلی که هر دو رژیم را در آستانه جنگ مستقیم و رو در رو قرار داده نقش کم و بیش مشابه داشته‌اند. رژیم حاکم بر ایران در واقع با تهدید دولت اسرائیل به نابودی و امتناع از پذیرش طرح تشکیل دو دولت در فلسطین خود در پیدایش خصم ۴۵ ساله و خسارات هنگفتی که از این بابت به ایران و مردم تحمیل شده، به نفع، اسرائیل و زیان مردم فلسطین نقش غیر قابل انکاری به عهده داشته است.

اینکه رژیم اسرائیل یک رژیم اشغالگر و سرکوبگر است که جنایات زیادی را علیه مردم فلسطین مرتکب شده و دولت ناتانیاهو در غزه با کشتار نزدیک به ۴۲ هزار نفر از زنان و کودکان و مردم فلسطین مرتکب جنایت جنگی شده و می بایست محکوم شود و از طرف سازمان ملل و مردم آزاده دنیا محکوم شده است، هیچ تردیدی وجود ندارد. اما راهکار حمایت از مردم فلسطین این نیست که رژیم ایران در ۴۵ سال گذشته پیش برده. این رویکرد اگر هم صادقانه بود که نبوده و نیست و بقول خودشان مقصود از آن ایجاد سپر برای دفاع از برنامه هسته‌ای در برابر خرابکاری اسرائیل بوده است، هیچ دست آوردی جز ضرر و زیان وحشتناک برای مردم فلسطین و لبنان و برای مردم ایران نداشته است. متاسفانه شاید اندکی برای اجتناب از جنگ بعد از حمله موشکی سپاه به تل آویو دیر شده باشد و به نظر می رسد که ناتانیاهو بعد از این حمله بهانه و جواز لازم امریکا و غرب را برای آغاز جنگ با ایران بدست آورده باشد. جنگی که اگر شروع شود ویرانی و کشتار بسیار می تواند در بر داشته باشد ولی پیروز نخواهد داشت. برای گذاشتن نقطه پایان بر این دور باطل و خطرناک و خنثی کردن نقشه جنگ طلبانه دولت اسرائیل مناسبترین برخورد بی پاسخ گذاشتن حمله نظامی تلافی جویانه اسرائیل است که به نظر نمی رسد رژیم فعلا تن به آن بدهد و اسرائیل نیز از آنجا که مست باده فتوحات خود در لبنان و غزه است سخت است به آتش بس با ایران تن در دهد.



از آنجا که جنگ در هر جا که باشد به زیان مردم و به نفع جنگ طلبان است و بیشتری بار جنگ روی دوش کارگران قرار می‌گیرد، اتحادیه‌های کارگری واقعی و غیر وابسته در همه جا معمولاً به درستی مخالف جنگ و اشغالگری هستند و به نسبت قدرت و توانایی که دارند برای حفظ صلح و جلوگیری از جنگ مبارزه می‌کنند. اما خانه کارگر که یک تشکل وابسته به قدرت است و همواره از حکومت و استبداد و سرکوب، دفاع کرده با حمایت از جنگ طلبان و تجلیل از حمله موشکی سپاه این بار نیز با قرار گرفتن در کنار جنگ طلبان و مقابل صلح خواهان ماهیت واقعی ضد کارگری خود را افشا کرده است

از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن بپیوندید!

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و متریقی آن حمایت می‌کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!

صورتبرداری از خطرات کار کودک در زنجیره‌های تأمین جهانی بخش شانزدهم

تحلیلی در بخشهای پوشاک، الکترونیک و کشاورزی



نوشته راشل جکسون، از انتشارات یونیسف

چالشها و نوآوریها 6

6.1 چالشهای پاسخ سنتی به کار کودک در زنجیره‌های تأمین - ادامه

تأثیرگذاری در وضع حلقه‌های بالایی زنجیره تأمین

شناسایی بازیگران زنجیره تأمین در ردیف‌های 2، 3 و 4 گام مهمی است، بماند تأثیرگذاری روی شیوه‌ها، که به واقع خود چالش بزرگ دیگری است. هر زنجیره تأمین کالا یا محصول منحصر به فرد است و ابزارهای تأثیرگذاری بر رویه‌ها در امتداد ردیفهای بالاتر ممکن است از نظر اثربخشی متفاوت باشد

در زنجیره تأمین مواد معدنی، مدلی از صنعت الکترونیک وجود دارد که در پاسخ به قانون مربوط به برخی مواد معدنی مورد منازعه در ایالات متحده تدوین شده است. برخی از برندهای پیشرو الکترونیک تأیید کردند که برخی مواد معدنی از جمله قلع، تانتالیوم، تنگستن و طلا از هزاران معدن در ده‌ها کشور در سراسر جهان سرچشمه می‌گیرند و از طریق کانال‌های تجاری مبهم وارد زنجیره‌های تأمین آنها می‌شوند. با این



حال، پس از نقشه برداری از زنجیره‌های تامین مختص به خود، متوجه شده اند که کارخانه‌های ذوب در سراسر جهان که این مواد معدنی را می پردازند، تنها چند صد تا هستند. با تکیه و تأکید بر این «نوک قله»، صنعت معدن می‌تواند تغییراتی را در این گروه کوچک از بازیگران، یعنی کارخانه‌های ذوب، ایجاد کند و با اطمینان بیشتری قابلیت خود را برای ردیابی مواد معدنی در ردیف‌های بالاتر و تا مبدأ تقویت کند.

حتی در زنجیره تأمین کبالت از معادن کوچک دستی در کنگو، هم برندها و هم رسانه‌ها مسئولیت اعمال تغییرات مربوط به کار کودکان را در این معادن بر عهده کارخانه ذوب چینی فعال در جمهوری دموکراتیک کنگو گذاشته اند. این خود نشان دهنده یک مفهوم کلیدی در تأثیرگذاری برای تغییر است: رویکردهای مشارکتی. در بسیاری از نمونه‌های موفق نظارت بر حلقه‌های بالائی زنجیره تأمین، شرکت‌ها نباید به تنهایی عمل کنند، بلکه باید در چارچوب یک پلاتفرم متشکل از چند سهامدار یا یک ابتکار در سطح صنعت دیده می‌شود، همسو (CocoaAction) مربوطه عمل کنند. همانطور که در پلاتفرم اقدام ناظر بر کاکائو کردن تلاش شرکتها برای اعمال نفوذ بیشتر در یک بخش یا کل صنعت در یک جامعه مورد نیاز است.

بررسی مجدد جعبه ابزار حسابرسی

در تغییر رویه‌های کار در ردیف 1 (audit) از سوئی بحثهای بسیاری در این مورد جریان دارند، که آیا ممیزیها موثر اند یا خیر. از سوی دیگر این بحث قابل تأمل جاری است که آیا ممیزی مکانیسم مؤثری برای زنجیره تأمین بالادستی است یا خیر. در مواردی که به قابلیت ردیابی مربوط می‌شود، ممیزیها برای اطمینان از این که فرآیندهای مستند شده مناسبی برای جایابی مواد از یک ردیف به ردیف دیگر وجود دارد، استفاده شده اند. این، سابقه‌ای را برای کاربست آنها در حلقه‌های بالاتر زنجیره تأمین ایجاد می‌کند. با این حال، برای بخش‌هایی که کار کودکان گسترده است، مانند مواردی که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، یعنی پنبه، کاکائو و کبالت، ممکن است ممیزی این یا آن تک مزرعه یا سایت معدن، یا در بهترین حالت چند تا از آنها، در هر زنجیره تأمین معین عملی نباشد. ممیزیها ممکن است داده‌هایی را در مورد شرایط فعلی ارائه دهند که برای تدوین برنامه‌های اقدام در سطح بخش یا کل صنعت مفید باشند، اما اگر ممیزی به یک مکان و یک دفعه محدود شود، ممکن است در تأثیرگذاری بر رویه‌های کار کودک در یک جامعه کمتر مؤثر باشد یا اصلاً مؤثر نباشد، به‌ویژه در جاهایی که مواد اولیه را مالکان خرد تأمین می‌کنند. ده‌ها هزار مزرعه خرد در ردیف 4 ممکن است تأمین کننده فقط یک پردازنده مواد در ردیف 3 باشند. بنابراین، در این حالت اعمال ممیزی می‌تواند حتی موجب یک بهبود اولیه در حلقه‌های بالاتر زنجیره تأمین نباشد.

این نیز نکته بسیار با اهمیتی است که در صورتی که تمرکز ممیزی و دیگر اشکال نظارت بر کار کودک متوجه یک منطقه یا جامعه خاص باشد، مشارکت اعضای جامعه در این فرآیند، شانس بیشتری را برای نیل به نتیجه پایداری ایجاد خواهد کرد. این نکته در بخش‌های بعدی بررسی خواهد شد. بنابراین، در حالی که ممیزی ممکن است موجب کسب داده‌ها و اشراف بیشتری به وضع گردد، فراتر از آن برای انجام تعهدی که بتواند اثرات لازم را بر کار کودک، حمایت از کودک و جامعه به عنوان یک کل داشته باشد، اقدامات دیگری ضرورت دارند.

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!
اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**



برنامه ریزی مشترک برای حذف بیشتر مشاغل سخت از شمول قانون

صادق



کشته شدن بیش از ۵۰ کارگر معدنجوی با آن وضعیت فجیع و انتشار گزارشهای که از این فاجعه در سطح جامعه منتشر شد و از آن میان موضوعی وزیر کار برای سرپوش نهادن بر علل آن بجای اینکه باعث چاره اندیشی و رفع علل حوادث پیاپی و فزاینده کاربخصوص در معادن اکثرا نا امن کشور بشود، موجب برنامه ریزی دولت برای تشدید تعرض به ته مانده های حقوق قانونی کارگران شده است. امری که قطعاً به افزایش حوادث منجر خواهد شد. بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا

احمد میدری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در یکصد و بیست و پنجمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در اتاق بازرگانی ایران که با حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر جهاد کشاورزی، نمایندگان تشکلهای کارگری و کارفرمایی برگزار شد، با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، اظهار کرد: مقرر شد این مهم به تمام واحدهایی که در حوزه سخت و زیان‌آور تعریف می‌شوند به جز معادن (که ذاتاً سخت و زیان‌آور هستند) اما می‌توانند از این موضوع خارج شوند، ابلاغ شود تا ظرف دو سال بازننگری شوند"

منظور از بازننگری آنطور که در گزارش آمده خارج کردن بخش دیگری از کارگرانی است که تحت پوشش قانون کارهای سخت و زیان آور قرار دارند و ایجاد جرح و تعدیلاتی در قانون به زیان آنهایی است که ماهیت مشاغلشان به گونه‌ای نیست که بتوانند، آنها را بکلی از شمول قانون حذف کنند

میدری بیان کرد: بررسی مشاغلی که صفت سخت و زیان‌آور با ماهیت شغلی وابستگی دارد اما می‌توان "با به کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی مناسب توسط کارفرما سختی و زیان آوری آنها را حذف کرد، در دستور کار قرار دارد"

وزیر کار در جایی از گزارش ادعا می‌کند که با تجهیز محل‌های کار مشاغل سخت و زیان آور به وسایل و تجهیزات ایمنی گویا قانون ضرورت وجودی خود را از دست می‌دهد

این طرح البته قبلاً در زمان دولت رئیسی از طرف سازمانهای کارفرمایی مطرح و مورد موافقت دولت قرار داشت. همچنین به درخواست اتاق بازرگانی تغییرات منفی زیادی در قانون مشاغل سخت و زیان آور به ضرر کارگران و در جهت منافع بیشتر کارفرمایان به عمل آمد. بر اساس آن سن بازنشستگی افراد شاغل در این کارها افزایش پیدا کرد و بسیاری از مشاغل سخت و زیان آور به کلی از شمول قانون حذف شدند. با این وصف همه ی آن تغییرات هنوز سرمایه‌داران و دولت حامی آنها را راضی نکرده که دوباره با ایجاد شرایطی که دولت جدید برایشان فراهم کرده می‌خواهند اساس قانون را براندازند و یا مشمولان آن را به حداقل ممکن برسانند



همین یک پاراگراف که در بالا از گزارش این جلسه به آن اشاره شد، ترکیب و تعداد شرکت کنندگان و محل برگزاری، حتی بدون اینکه نیازی به خواندن بقیه گزارش باشد ماهیت و هدف و نتیجه تصمیماتی را که در آن گرفته شده، پیشاپیش روشن می کند. همگی شرکت کنندگان به استثنای "نمایندگان کارگران" که آنها نیز وابسته به تشکلهای حکومتی هستند، بدون استثنا دولتیهای طرفدار سرمایه داران یا وابستگان اتحادیه های کارفرمایی هستند. بنا بر این حتی اگر فرض کنیم آن "نمایندگان کارگری" حاضر در جمع هم خریداری و دستچین نشده باشند، باز هم در آن جمع در اقلیت هستند و نمی توانند مانع از تصویب هر آنچه کارفرمایان و نمایندگان دولت می خواهند بشوند. معنی سه جانبه گرایی مد نظر این جماعت هم چیزی غیر از این نیست. کارفرمایان تشکل های واقعی خودشان را دارند و از امکانات دولتی و خصوصی بسیاری از جمله رسانه، حضور در مجلس و دولت هم برخوردار هستند. اما کارگران نه تشکل و نماینده مستقل دارند، نه حق اعتصاب قانونی دارند و نه امنیت شغلی که بتوانند در صورت اعتصاب و اخذ موضعی مخالف با کارفرمایان و دولت از کار اخراج شان نکنند.

میدری در واقع حسب ماموریتی که در چهار چوب سیاستهای کلان رژیم در حوزه روابط کار به وی محول شده وظیفه پیدا کرده است سیاستهای ضد کارگری دولت رئیسی و اقدامات نیمه کاره صولت مرتضوی وزیر کار دولت پیشین را که بی حقوق سازی بیشتر نیروی کار بود به سبک و سیاق خود طبق میل صاحبان سرمایه تکمیل کند. بهمین جهت آنچه تا کنون روشن شده تنها تفاوت این وزیر به اصطلاح اصلاح طلب کابینه که بر صدر وزارت خانه مهم کار نشانده شده با وزیر پیشین در روشهای پیشبرد سیاستهای ضد کارگری رژیم است.

نحوه پیشبرد سیاستها توسط وزیر پیشین که بدون پرده پوشی به شکلی خشن و با قلدری پیش برده می شد، بسیار واکنش برانگیز و تحریک کننده بود و این با وجود اینکه از طرف اتاق بازرگانی، پایداری ها و موتلفه مورد حمایت قرار می گرفت، ولی موافق نظر آنهایی که طرفدار سربریدن با دستکش مخملی هستند نبود.

میدری همان چهره ای است که این جماعت به دنبال او می گشتند. روشهای او برای از میان برداشتن حق و حقوق کارگر مشابه رئیس سابق اش علی ربیعی است. بهمین جهت به محض اینکه وزیر شد سعی کرد با وعده التزام به رعایت سه جانبه گرایی و رعایت قانون و افزایش دستمزد بر اساس ماده ۴۱ قانون کار، که توسط وزیر پیشین لگد مال شده بود، حماقت های وزیر پیشین کار را که مورد اعتراض تشکلهای کارگری حکومتی هم بود، فضا را برای اجرای سیاست سرکوب مخملین مساعد کند.

اما مبارزه طبقاتی و اجتماعی چنان حاد و ماهیت رژیم و سیاستها آن نزد مردم از پرده بیرون افتاده است که با تغییر روش و تاکتیکها و بکار گرفتن مدیران فریبکار زبده هم نمی شود، مبارزات عدالتخواهانه را منحرف کنند. کما اینکه جناب وزیر در همان آغاز کار خود با موضعگیری کاملاً جانبدارانه از صاحبان معدنجوی در موقعیتی قرار گرفت که نتوانست ماهیت واقعی خود را پنهان نگه دارد. چیزی که نه میدری و نه هیچ یک از وزرا و روسای جمهور گذشته و حال نمی توانند درک کنند، این است که صبر و تحمل کارگران در مقابل دولتمردان ستمگر و رژیم آنها بی پایان نیست و اگر از مقامات حکومتی برای تشخیص منافعشان فهم و شعورشان بیشتر نباشد، از آنها کمتر نیست که ندانند چه باید بکنند و چگونه با این جماعت فاسد و ستمگر و برنامه های استثمار گرانه شان مبارزه کنند. کارگران مشمول قانون کارهای سخت و زیان آور می دانند وزیر کار سر سپرده اتاق بازرگانی در شورای به اصطلاح سه جانبه چه خوابی برایشان دیده است، اما تسلیم آن نخواهند شد، همچنان که بازنشستگان، معلمان، پرستاران و بقیه کارگران با تداوم اعتراضات و



اعتصاب های خود تسلیم نشده اند. اعتراضاتی که پاسخ داده نشوند، لاجرم به واسطه فشار شدید معیشتی سیاسی خواهند شد و خیلی طول نخواهد کشید تا باعث و بانی اصلی فقر و سرکوب خود را! مستقیماً هدف قرار دهند

علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

توپ متناسب سازی حقوق بازنشستگان در زمین دولت

ع امید



درحالی که اعتراضات بازنشستگان برای افزایش حقوق بازنشستگی و سایر مطالبات شان ادامه دارد و اعتراضاتی که حول آن انجام می شود و تعداد شرکت کنندگان در آنها روز به روز بیشتر می شود، به نظر می رسد تداوم و گسترش اعتراضات کاملاً حق طلبانه بازنشستگان و نگرانی مجلس از سیاسی شدن بیشتر اعتراضات در فضای ناپایدار سیاسی دارد اثر خود را می کند و علائمی حاکی از عقب نشینی حکومت در مجلس به چشم می خورد. در این میان می توان به سخنان محمد باقر قالیباف در ۱۱ مهر اشاره که پس از تذکر شفاهی یکی از نمایندگان در مورد اجرای قانون متناسب سازی انجام گرفت

به گزارش ایلنا، ابراهیم نجفی اسپیلی در نشست علنی امروز (چهارشنبه، ۱۱ مهر ماه) مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی با استناد ماده ۲۳۴ آیین نامه داخلی مجلس گفت: هفته گذشته آقای زنگنه تذکری را به درستی داد، همانطور که وی نیز اشاره کرده بود متناسب سازی حقوق بازنشستگان با اینکه در مجلس تصویب شده است که یک درصد به مالیات بر ارزش افزوده اضافه شود و تاکنون ۷۰ هزار میلیارد تومان منابع به آن تخصیص پیدا کرده است، اما متأسفانه سازمان برنامه و بودجه در این زمینه اقدام موثری انجام نداده است"



و قالیباف نیز پس از آن با اشاره به تصویب متناسب سازی در مجلس و تامین اعتبارات آن از سازمان برنامه و بودجه و دولت خواست تلاش کنند این حق مصوب و تامین اعتبار شده را مطابق ماده ۲۹ قانون برنامه پرداخت کنند

البته اجرای قانون متناسب سازی تنها یکی از مطالبات عمومی بازنشستگان است، آنها خواسته های دیگری هم دارند که مکمل هم هستند و اهمیت هیچ کدام شان برای آنها کمتر از متناسب سازی نیست و بهبود وضعیت بد معیشتی و زیستی شان منوط به اجرای همه ی آنهاست

یکی از این مطالبات که بخش قابل توجهی از حقوق ناچیز اکثریت بازنشستگان را می بلعد پولی شدن بخش بیشتری از هزینه خدمات پزشکی و دارویی است که به شدت گران شده اند و بیمه هزینه آنها را تامین نمی کند. همچنین زیر عنوان "بیمه تکمیلی" بخشی از هزینه های بیمارستانی بر عهده مشمولین تامین اجتماعی گذاشته شده است و آنها مجبورند بخشی از حقوق خود را نیز بابت آن بپردازند. خواست اصلی در واقع افزایش حقوق بازنشستگی متناسب با هزینه های واقعی زندگی و بیمه کارآمد است، که با اجرای متناسب سازی به تنهایی تامین نمی شود

ظاهرا قالیباف با این حرکت هم خواسته است در برابر بازنشستگان بنوعی خرج خود را از دولت که تا کنون از اجرای قانون طفره رفته است، سوا کند و هم تصور کرده است می تواند با این کار از گسترش روزافزون اعتراضات بازنشستگان و پیامدهای ناگزیر آن در جامعه جلوگیری کند. اما فشار های اقتصادی و معیشتی روی بازنشستگان که حداقل دو سوم آنها حداقل بگیر هستند حتی اگر قانون متناسب سازی فل فور هم اجرا شود، آنچنان طاقت فرسا شده است، که نمی تواند مانع از ادامه و گسترش اعتراضات بازنشستگان برای خواسته های دیگرشان بشود

بهر حال اگر بشود روی حرفهای قالیباف حساب بازکرد، اجرای قانون متناسب سازی گرچه به تنهایی مشکلات بازنشستگان را رفع نمی کند، ولی گامی به جلوست که در اثر مبارزات مستمر خیابانی خود بازنشستگان ناگزیر از تن دادن به آن شده اند. زیرا هم مدت زیادی از تصویب این قانون می گذرد و هم به گفته قالیباف بودجه آن تامین شده است، با این وجود رئیس مجلس قبل از آن صحبتی از اجرای قانون متناسب سازی نکرده بود. با این اوصاف هنوز هم معلوم نیست که دولت به آن پاسخ مثبت دهد. تویی است که جناح قالیباف به دروازه دولت شوت کرده است، این که رئیس سازمان برنامه و بودجه و دولت به آن چه واکنشی نشان دهد هنوز معلوم نیست

ولی همین حد از عقب نشینی بدون تردید بواسطه وجود و گسترش و دوام اعتراضات است که مجلس راپس از مدتها سکوت و امتناع ناگزیر به پذیرش یکی از خواسته های بازنشستگان کرده است و این را خود بازنشستگان بهتر از هر کس می دانند و آگاه هستند که برای رسیدن به مطالبات به حق شان راه دیگری به غیر از تداوم و گسترش اعتراضات سازمانیافته پیش روی خود ندارند و عملی شدن همین متناسب سازی منوط به گسترش اعتراضات و فشرده تر شدن صفوف بازنشستگان و جلب حمایت شاغلین است



ادامه و گسترش اعتراضات کارگران نفت و پتروشیمی

گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از تازه ترین اعتراض این هفته: .

عصاب همکاران رسمی در پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی

در SPGC. امروز چهارشنبه یازده مهر همکاران رسمی ما در پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی عسلیویه در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود تجمع کردند. اهم خواستههای این همکاران عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مازاد مالیات کسر شده

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از اعتراضات بخش های مختلف همکاران در نفت حمایت و پشتیبانی میکند



ادامه اعتراض کارگران ارغوان گستر ایلام برای بازگرداندن همکاران خود به سرکار

اعتراض کارگران اخراج شده کارخانه ارغوان گستر برای بازگشت به کار به رغم گذشت چند ماه از شروع اعتراض آنها همچنان ادامه دارد. بدنیاال احضار عدهای از کارگران معترض، همکاران آنها در اعتراض به احضار و اخراج عدهای از همکاران خود در ۱۶ مهر مقابل دادگستری شهر چوار تجمع کردند.



رد اعاده دادرسی و بدتر شدن سلامت جسمانی ریحانه انصاری نژاد



اعاده دادرسی کارگر زندانی ریحانه انصاری نژاد پذیرفته نشده است، و از یکم تیر ماه ملاقات حضوری ایشان را نیز قطع کرده اند و بیش از دو ماه است که از دیدن تنها دخترش محروم است.

پزشک متخصص جراح مغز و اعصاب بیمارستان طالقانی به دلیل آسیب دیدن ربات زانو و شانه و دیسک کمر و گردن ۲۰ جلسه فیزیوتراپی برای ریحانه انصاری نژاد نوشته است ولی مسئولان زندان مانع اعزام او به فیزیوتراپی شده اند.



کارگران تراورس زاهدان: پول درمان را از جیب می‌دهیم

اعتبار خدمات درمان تامین اجتماعی کارگران ابنیه فنی ناحیه جنوب شرق زاهدان به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما تمدید نمی‌شود.

یک منبع کارگری در ابنیه فنی راه آهن جنوب شرق زاهدان در تماس با خبرنگار ایلنا، گفت: اداره تامین اجتماعی به دلیل بدهی‌های مالی شرکت تراورس به تامین اجتماعی اخیرا از تمدید اعتبار درمان کارگرانی که نیازمند خدمات هستند، خودداری کرده است.



ادامه و گسترش اعتراضات خیابانی بازنشستگان

اعتراضات بازنشستگان همچنان مانند هفته‌های گذشته ادامه دارد. وسیعترین اعتراض این هفته توسط بازنشستگان مخابرات بود که در بیش از ۱۲ شهر و مرکز استان برگزار شد، بازنشستگان تامین اجتماعی نیز در ادامه اعتراضات هفته‌های گذشته در این هفته نیز در چند شهر تظاهرات و بر ادامه اعتراضات خود تا رسیدن به مطالبات شان تاکید چند باره کردند. در تعدادی از شهرها بازنشستگان علاوه بر تاکید بر مطالبات صنفی خود خواستار آزادی کارگران و معلمان زندانی شدند. همچنین در اکثر تجمع‌های این هفته نیز شعارهایی علیه فقر و فساد و مسئولین دولتی که مضمون سیاسی داشت مطرح شد. به رغم گسترش فزاینده اعتراضات بازنشستگان دولت در سه ماه گذشته از پرداخت علی الحساب حقوق همساز سازی به بازنشستگان تامین اجتماعی طفره رفته است.



تجمع معلمان نسیم شهر بهارستان مقابل اداره آموزش و پرورش

صبح امروز ۱۶ مهر، معلمان منطقه نسیم شهر (اکبرآباد و مناطق روستایی آن) در اعتراض به نداشتن سرویس رفت و برگشت به روستاها، در اداره آموزش و پرورش بهارستان ۲ تجمع کردند و زنگ اول کلاسهای شیفت صبح را تعطیل کردند. این دومین تجمع معلمان برای برقراری سرویس است. تجمع قبلی روز شنبه ۱۴ مهر برگزار شد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>